

راهبرد سیاسی ایران در حل مساله قره باغ با تاکید بر تامین منافع ملی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۴

کد مقاله: ۵۸۵۰۰

جواد گنج خانلو^۱

چکیده

مدت زمان زیادی است که مناقشه بین دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر ناحیه قره باغ، منطقه را تحت تاثیر خود قرار داده است. موضوعی که در ادبیات رسانه ای رایج از آن به بحران قره باغ تعبیر می گردد. یکی از ویژگی های مسائل سیاسی، عمومی بودن آن ها است یعنی مسائلی که بر زندگی تعداد زیادی از افراد جامعه اثر نامطلوب دارد و مصالح عمومی را به خطر می اندازند و این مسائل وارد تقویم سیاست گذاری می گردند. در این نوشتار سعی بر این شده است با استفاده از تحقیقات متعددی که در خصوص مناقشه قره باغ صورت گرفته است، راه حلی در جهت حل مساله قره باغ با تکیه بر اشتراکات سیاسی پیدا کرده و این پرسش اصلی مطرح است که آیا برجسته نمودن اشتراکات سیاسی ایران و دو جمهوری دیگر درگیر مناقشه می توان به راه حلی جامع در جهت حل مخاصمه رسید و آیا توجه به شاخصه همگرایی سیاسی بعنوان متغیری مستقل و قابل تغییر و احصاء آن می توان تاثیر گذاری بر روابط سیاسی و منازعات عرضی و منطقه ای را بعنوان متغیری وابسته اندازه گیری و پایش کرد. البته در این ارتباط می توان به نقش بازیگران فرامنطقه ای و کشورهایی که بر سیاست های دو طرف درگیر تاثیر داشته باشند بعنوان متغیرهای ناخواسته و مداخله گر توجه داشت.

واژگان کلیدی: قره باغ، بحران، قدرت، منازعه، منافع ملی

۱- دانشجوی دکترا جغرافیای سیاسی، دبیر نظام پیشنهادات شهرداری منطقه ۶

۱- مقدمه

منطقه قره باغ محلی مورد مناقشه و بعضاً درگیری های نظامی بین دو طرف ارمنی و آذری که هریک این منطقه را جزئی از سرزمین خود میدانند بوده و تاکنون راه حلی جامع درجهت حل مساله موصوف که آرامش را برقرار نماید ارائه نگردیده است. اهمیت سیاسی و اقتصادی منطقه همچنین نزدیک بودن به دریای خزر و منابع غنی نفتی و قرارگرفتن در مسیر ارتباطی بین اروپا و آسیای میانه و منابع یادشده باعث گردیده تا علاوه بر کشورهای منطقه بعنوان بازیگران اصلی، قدرت های بزرگ جهان و سایر کشورها نیز سعی بر دخالت و بهره برداری به نفع خود از این موضوع نمایند. عدم حل مساله و پایان نیافتن مناقشه دارای شاخص های متعددی از قبیل عوامل؛ فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و قومی می باشد. که در این میان کشورهای همسایه به دلیل برخی اشتراکات در شاخص های یاد شده ناخواسته و یا خواسته درگیری باشند. طبعاً جمهوری اسلامی ایران نیز از اخگر این آتش بی بهره نمانده است. چراکه دارابودن مرز مشترک جغرافیایی با هر دو کشور و داشتن بیشترین اشتراکات با هر دو ملیت آذری و ارمنی (قومی، مذهبی و فرهنگی و سیاسی) باعث شده تا ایران نتواند حتی به میل خود رویه بی طرفی را در پیش گرفته و الزاماً جزئی از طرف های درگیر در این بحران می باشد.

بدیهی است؛ جمهوری اسلامی ایران می تواند بعنوان بازیگری قدرتمند در این عرصه ظاهر شده و بعنوان میانجی وبا تکیه بر اشتراکات به راه حلی قطعی در جهت استقرار آرامش در منطقه اقدام نماید. چراکه دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک خاص و هم مرزی با دو کشور و بهره بردن از اشتراکات سیاسی دوجانبه و بعضاً سه جانبه در مسیر ایجاد آرامش و برقراری صلحی پایدار در منطقه که کمترین هزینه را در برداشته اقدام نماید، و به گونه ای در مسیر این میانجی گری حرکت نماید که بیشترین منافع ملی را حفظ و تامین نماید. لذا یافتن مسیری معقول و مبتنی بر اصول علمی ژئوپلیتیک که بتواند به این خواسته جامعه عمل ببوشاند. انگیزه و ضرورت انجام تحقیق مذکور را توجیه می نماید.

۲- نوع و روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

نزدیکی محل وقوع بحران به مرزهای ایران و مداخله اجتناب ناپذیر جمهوری اسلامی ایران در مساله فوق الذکر تحقیقات و پژوهش های زیادی در درجه بندی های گوناگون علمی و تحقیقاتی معمول گردیده است مقاله حاضر، یک تحقیق نظری بوده و روش مورد نظر برای انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی با شیوه اسنادی است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل بررسی ها و مطالعات کتابخانه ای، مطالعات اسنادی، منابع اینترنتی، پیشینه تاریخی منطقه و بررسی گزارش ها و اسناد منتشر شده در رابطه با موضوع پژوهش است. تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی می باشد. در این پژوهش نخست در یک تحلیل جامع نظری ماهیت بحران های ژئوپلیتیکی مورد تبیین قرار گرفته و بعد تئوری ارائه شده روی بحران قره باغ مطالعه شده است.

۱-۲- تعریف منازعه

منازعه وضعیتی است که در آن گروه انسانی معینی (قومی، مذهبی، سیاسی و...) با گروه انسانی دیگری به دلیل ناسازگاری اهدافشان (واقعی یا ظاهری) تعارضی آگاهانه داشته باشند. منازعه با رقابت متفاوت است. هنگامی رقابت به منازعه تبدیل می شود که طرفین بکوشند موقعیت خود را با تنزل موقعیت دیگران تقویت نمایند و رقابت خویش را در دستیابی به اهداف از دور خارج نمایند. یکی از کوشش های منظم در طبقه بندی ریشه های کشمکش را کنت والتز^۱ انجام داد و در اثر خود به نام (انسان، دولت و جنگ) ریشه های کشمکش را در سه متغیر؛ انسان، واحدهای سیاسی و نظام بین الملل تشریح کرد. که با پیشرفت تحقیقات ودقت در مشاهدات، سه متغیر مورد نظر والتز به پنج متغیر (انسان، اجتماعی، واحد سیاسی، بین المللی و نظام بین الملل) افزایش یافته است. (سریع القلم، محمود، ۱۳۹۰)

۲-۲- تعریف بحران

شاید کمتر واژه ای همچون بحران^۲، ادبیات معاصر و بویژه ادبیات علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته و رشته های دیگر علمی را به خود مشغول داشته است. مهمترین خصوصیتی که برای بحران ها ذکر می شود محدودیت زمانی است.

1- Count Waltz

2- Crisis

(مستقیمی، بهرام، ۱۳۷۳) به عبارتی دیگر؛ بحران به موقعیتی گفته می‌شود که به لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حیات تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرایند های فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان ها می‌گردند(حافظ نیا، ۱۳۸۵)

۲-۳- ویژگی های بحران

تهدید نسبت به ارزش های اساسی و اولویت دار
محدودیت زمانی
غافلگیری

۲-۴- بحران ژئوپلیتیکی

بحران های ژئوپلیتیکی نوع خاصی از بحران هستند که از منشاء جغرافیایی- سیاسی برخوردارند. بر خلاف بحران ژئوپلیتیکی که دیرپایی معمولاً از ویژگی های آنهاست، بحران های سیاسی زودگذر بوده و به سادگی قابل حل و فصل شدن می باشند. (حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۵) درمقابل، حل بحران های ژئوپلیتیکی مستلزم وجود فضای حسن نیت و روابط دوستانه بین طرفین موضوع بحران می باشد. (مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۷۹)

۲-۵- ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیکی

جغرافیای سیاسی علمی است که نقش سیاست در جغرافیا را بررسی می کند، در حالی که علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل جغرافیایی در سیاست می پردازد. وزن ژئوپلیتیک برنقل نیروها و عوامل مثبت و منفی تاثیرگذار در توان ملی کشورها اطلاق می شود. وزن ژئوپلیتیک، موقعیت کشور و یا منزلت آن را در بین مجموعه ای از کشور ها و یا در سیستم، وزن ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای نشان می دهد. (حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۵)

۲-۶- بازیگران بحران ژئوپلیتیکی

بازیگران بحران ژئوپلیتیکی آنهایی هستند که به نوعی یا در روند بحران تاثیر گذار هستند و یا از روند بحران تاثیر پذیرند. هدف از تاثیر گذار بودن آن است که بازیگر در ایجاد، مدیریت و حل یا طولانی شدن روند بحران نقش دارد. علاوه بر طرفین درگیر در بحران، دومین گروه از بازیگران اصلی بحران های ژئوپلیتیکی قدرت های رقیب منطقه ای و یا فرامنطقه ای می باشند. سومین گروه از بازیگران بحرانهای بین المللی بویژه بحران های ژئوپلیتیکی یا سیاسی، نهادها یا سازمان های بین المللی هستند. در این زمینه می توان به نهاد سازمان ملل، شورای امنیت، نهادهای دآوری بین المللی، سازمان های منطقه ای و غیره اشاره کرد. (صیحدل، علی، ۱۳۸۲)

۲-۷- منافع ملی

از جمله مهمترین مولفه های تاثیرگذار در سیاست خارجی دولتها در هر موقعیت بین المللی خصوصاً در بستر بحرانهای ژئوپلیتیکی، بحث منافع ملی بازیگران است. چرا دراصل وجود منافع ملی است که بعنوان تاروپودهای ژئوپلیتیکی، بین بازیگر و فضای بحرانی ارتباط راهبردی برقرار می کند. منافع ملی عبارت است از: ارزش های مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به آن ها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آنها و جلوگیری از تصرف آنها بدست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه هستند. (حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۵). دوام یافتن و نیرومندتر شدن آن ملت و هویت ملی آن و نقش آفرینی های داخلی، منطقه ای و جهانی اش، همه و همه در مفهوم منافع ملی یک ملت جای دارد. (مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۷۹)

۲-۸- جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق و بزرگترین کشور ناحیه قفقاز، که در گذشته آلبانیا^۱ و آران^۲ می‌نامیدند. کشوری در منطقه جغرافیایی قفقاز و در گذرگاه اروپا و آسیای جنوب غربی و در کنار دریای خزر است. پایتخت آن باکو است. این جمهوری سکولار^۳ بوده و از سال ۲۰۰۱ به عضویت شورای اروپا درآمده است. ساختار سیاسی دولت آذربایجان یک جمهوری دموکراتیک، قانون‌محور، لائیک و یکپارچه است. نوع حکومت جمهوری فدرال چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری است. بیشتر جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمان شیعه هستند و زبان رسمی کشور ترکی آذربایجانی می‌باشد.

۲-۹- جمهوری ارمنستان

حکومت ارمنستان جمهوری، پایتخت این جمهوری ایروان و جمعیت آن بیش از سه میلیون نفر است. طبق قانون اساسی ارمنستان، ۱۳۱ عضو مجمع ملی و رئیس‌جمهور با رأی تمامی افراد بالغ برای چهار سال انتخاب می‌شوند و انتخاب نخست‌وزیر بر عهده مجلس است. ارمنستان کشوری کوهستانی و پر باران است و نیز یک کشور محاط در خشکی است و پیرو آیین مسیحیت هستند.

۲-۱۰- قره باغ

قره باغ (به ترکی آذربایجانی) یا آرتساخ^۴ (به زبان ارمنی) نام منطقه‌ای کوهستانی است که در همسایگی ایران در ناحیه شمالی و در شمال رود ارس قرار دارد. منطقه قره باغ علیا در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق ضمیمه خاک جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان بوده و بیشتر ساکنان آن را ارمنه تشکیل می‌دهند.

این منطقه در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلام استقلال کرد. بیشتر ساکنان این منطقه راکه از لوکزامبورگ^۵ هم کوچکتر است، ارمنه تشکیل می‌دهند و جمهوری ارمنستان هم از آنها پشتیبانی می‌کند. قره باغ بیش از بیست سال است که تبدیل به مرکز منازعات جمهوری آذربایجان و ارمنستان شده است. جامعه بین الملل، استقلال قره باغ علیا و دولت آن راکه در شهر استپاناکرت^۶ مستقر است، به رسمیت نمی‌شناسد.



1- Albania

2- Aran

3- Secular

4- Արտաշատ, Artaxach

5- Luxembourg

6- Stepanakert

۳- یافته های تحقیق

۳-۱- رقابت در انرژی و شکل انتقال آن به بازار مصرف

باتوجه به جایگاه انرژی دریای خزر، موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه افزایش چشمگیری یافته و رقابت را برای کسب آن افزایش داده است. و اصطلاح (بازی بزرگ) در قفقاز جنوبی نشان دهنده اهمیت منابع انرژی در منطقه است. در این راستا منابع نفت و گاز دریاچه خزر موجب گردیده که بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای منابع راهبردی مهمی در منطقه خزر برای خود در نظر بگیرند و کشور های واقع شده در این محدوده دارای نقش محوری مهمی در روابط خارجی این بازیگران برعهده می گیرند. به همین دلیل تمامی این کشورها سعی می کنند باتوجه به موقعیت مهم منطقه موقعیت خود را در منطقه قفقاز جنوبی تثبیت و تحکیم نمایند.

۳-۲- بنیان های جغرافیایی بحران ژئوپلیتیکی قره باغ

پتانسیل های استراتژیکی و اهمیت اقتصادی قره باغ برای طرفین : قره باغ به لحاظ استراتژیکی و اقتصادی اهمیت فراوانی برای طرفین دارد. مراتع وسیع، همراه آب و هوای مساعد و زمین های حاصل خیز برای کشاورزی، وجود منابع و معادن زیر زمین سنگ های گران قیمت بر اهمیت اقتصادی منطقه افزوده است. همچنین سرچشمه بسیاری از رودهایی که به سرزمین های مجاور جاری میشوند در این منطقه قرار دارند. (کاظمی، احمد، ۱۳۸۲) این اهمیت زمانی پررنگ می شود که بحث انزوای ژئوپلیتیکی ارمنستان در شطرنج ژئوپلیتیکی منطقه مورد توجه قرار می گیرد.

۳-۳- ساختار روابط ژئوپلیتیکی در بین بازیگران بحران قره باغ

ساختار روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران بحران قره باغ نمایشگر الگوهای روابط بین آنها در سطوح مختلف سیاسی - جغرافیایی بر اساس اشتراکات^۱ و افتراقات^۲ است که در ابعاد متفاوت تعامل، رقابت، تقابل، نفوذ و سلطه قابل مشاهده است.

جمهوری آذربایجان با ارمنستان بیش از دودهه است که شدیدترین منازعات مرزی - سرزمینی و قومیتی را دارند. آذربایجان با ایران به رغم مناسبات سطح بالا با ایران روابط پر تنش هم دارد. بلوغ شناخت ژئوپلیتیکی در روابط خارجی طرفین قابل مشاهده نیست. آذربایجان به خاطر ملاحظات ژئوپلیتیکی تلاش دارد تا در روابط خود تعادل را در مناسبات با روسیه حفظ نماید. با این حال روابط طرفین همیشه پرتنش بوده و باکو تحت نقاب ظاهری دوستی با مسکو رابطه برقرار کرده است. اما درسوی دیگر روابط آذربایجان با ترکیه و آمریکا (به رغم تنش های موردی) از ماهیت کاملاً راهبردی برخوردار است. درعین حال آذربایجان به خاطر منابع انرژی خود روابط خوبی با طرف اروپایی توانسته است برقرار نماید.

ارمنستان به دلیل بحران قره باغ و اختلافات تاریخی - حیثیتی - سرزمینی با آذربایجان و ترکیه هیچ روابط دیپلماتیکی ندارد. ارمنستان به خاطر ملاحظات ژئوپلیتیکی سعی دارد هم زمان با حفظ روابط راهبردی با روسیه و ایران همکاری خود با واشنگتن را نیز در سطح عالی تقویت نماید. اگرچه ارمنستان در مقابل اروپا جذابیت منابع انرژی آذربایجان را دارا نیست، با این حال با طرف اروپایی نیز روابط خوبی دارد. به عبارتی ارمنستان توانسته است با استفاده از مسیحیت روابط مستحکمی با روسای مشترک گروه مینسک (فرانسه، روسیه و آمریکا) برقرار نماید.

روابط ترکیه با آذربایجان و ارمنستان دو طبیعت کاملاً متضاد را به نمایش می گذارد. هرچه روابط آنکارا با باکو دوستانه و راهبردی است به همان میزان روابط با ایروان کاملاً خصمانه است. در این حوزه جغرافیایی روابط ترکیه با ایران و روسیه کاملاً رقابتی است و ترکیه با خوبی توانسته اند با راهبرد ناسیونالیستی و نیز اقتصادی (خطوط مواصلاتی و انتقال انرژی) نفوذ نمایند. همچنین روابط ترکیه و واشنگتن و اروپا تعاملاتی است و معمولاً رویکرد های طرفین مکمل است.

اگرچه ایران سعی بر تعادل در مناسبات خود با آذربایجان و ارمنستان دارد. اما طرف آذری همواره از ماهیت مناسبات تهران با آذربایجان و ارمنستان راضی نبوده و این موضوع باعث شده مناسبات ایران با ارمنستان بر مناسبات با آذربایجان برتری داشته باشد. همچنین اگرچه برخی ناظران راهبرد ایران در قفقاز را تا حدی در راستای راهبرد روسیه تعریف می کنند. اما همچنان مهمترین رقیب ایران در حوزه فرهنگی و اقتصادی در منطقه ترکیه می باشد. ایران همچنین به لحاظ امنیتی و منافع اقتصادی حضور واشنگتن و اروپا را در منطقه در تقابل با منافع خود می بیند. روسیه که بعنوان جانشین شوروی بیشترین حق را در منطقه برای خود

۱- همکاری

۲- نزاع

متصور است سعی دارد تا از راه تعمیق مناسبات و نه صرفاً از طریق روابط تعاملاتی آذربایجان و ارمنستان را کاملاً زیر سلطه خود نگه دارد. همزمان نیز با رقابت تنگاتنگ برای نفوذ در منطقه با ترکیه، ایران، آمریکا و اروپا، منافع راهبردی خود را صرفاً در تقابل با حضور قدرت های ذکر شده در منطقه می جوید. در نگاه راهبردی، آمریکا پاشنه آشیل روسیه در منطقه محسوب می شود و سعی دارد با تعمیق مناسبات خود با تمام دولت های این حوزه مدخل راهبردی در روسیه ایجاد نماید. در عین حال این حوزه در نگاه راهبردی دروازه امنیتی ایران نیز محسوب می شود. اگرچه اروپا متحد راهبردی آمریکا محسوب می شود اما در سیاست تقابل در راهبرد اروپا وجود ندارد و به خاطر نیاز ژئوپلیتیکی خود به منطقه معمولاً مایل است مناسبات خود را در چهارچوب تعاملات دوجانبه با همه بازیگران ادامه دهد. اگرچه به لحاظ توان اقتصادی بزرگترین رقیب ایران و روسیه در منطقه است.

۳-۴- اختلاف منافع بازیگران

منافع بازیگران هدایتگر رفتار سیاسی آنهاست و دلیل پیچیده بودن رفتار سیاسی آنها چندگانه بودن منافع آنهاست. این موضوع در ارتباط با بحران قره باغ نیز قابل بحث است و اصولاً یکی از علل حل نشدن بحران قره باغ اختلاف منافع بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای ذینفع در بحران است. بیشک بحران در منطقه ای که بازیگران منافع یکسانی دارند زودتر حل میشوند درحالیکه در منطقه قفقاز موضوع چنین نیست. (کازمی، احمد، ۱۳۸۲)

واقعیت این است که در سالهای اخیر این حوزه در چهارراه تعاملاتی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفته است. به گونه ای که در معادلات امنیتی قفقاز جنوبی از یک سو بازیگران منطقه ای همچون ایران و ترکیه سعی دارند به دلیل هزینه های امنیتی سنگین این وضعیت برای منطقه در هموارسازی مسیر صلح حرکت کنند، حال از سوی دیگر قدرتهای بزرگ نظیر آمریکا و روسیه تلاش دارند تا با افزایش ابعاد پیچیده امنیتی بحران به حداکثر سازی منافع خود در منطقه اقدام نمایند. از این رو میتوان بحران قره باغ را به سبب چاله ای ژئوپلیتیکی تشبیه کرد که منافع ملی و راهبردی متفاوت و حتی کاملاً متناقض بازیگران بحران را در هم فرو برده است.

۳-۵- تعلقات ژئوپلیتیکی بازیگران

قفقاز جنوبی حوزه ای است که به لحاظ منابع انرژی غنی و به دلیل عبور خطوط مهم انتقال انرژی از فضای جغرافیایی آن در عرصه ترانزیت انرژی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. وجود این پتانسیل ها باعث شده است که این حوزه به گره گاه تعلقات ژئوپلیتیکی بازیگران مختلفی تبدیل شود. مهمترین تعلق ژئوپلیتیکی آذربایجان و ارمنستان قره باغ است. قره باغ شاه کلید موجودیت سیاسی و پویایی سیاست خارجی آذربایجان و ارمنستان است. موضوع قره باغ چنان با منافع ژئوپلیتیکی طرفین گره خورده است که نمی توان نقش آن را در بن بست سیاسی بین آذربایجان - ترکیه و ارمنستان انکار کرد. به گونه ای که مناسبات هر دو دولت آذربایجان و ترکیه با ارمنستان قادر است بر مناسبات آذربایجان - ترکیه نقش آفرین باشد. به عبارت آشکار تر هرگونه تغییر مثبت یا منفی در روابط آذربایجان و ارمنستان می تواند موجب تسهیل در حل دیگر مشکلات بین ترکیه و ارمنستان نیز خواهد بود و یا بالعکس. همچنین هر نوع سازش در روابط ترکیه - ارمنستان بدون در نظر گرفتن منافع آذربایجان موجب تنش در روابط آذربایجان و ترکیه خواهد شد. (ولیکلی زاده، علی، ۱۳۹۱)

مهمترین تعلق ژئوپلیتیکی آذربایجان و ارمنستان ایجاد نوعی سیستم اقتصاد مکمل منطقه ای در حوزه قفقاز جنوبی خواهد بود. به اعتقاد برخی کارشناسان راه حل نهایی بحران قره باغ ایجاد چنین سازه جغرافیایی - اقتصادی است. چون تحریم اقتصادی و انزوای سرزمینی ارمنستان توسط ترکیه و آذربایجان، باعث ایجاد گسل بزرگی در حوزه همکاری های سیاسی - اقتصادی ارمنستان با منطقه بوده است. از این رو همکاری و بهبود روابط ارمنستان با ترکیه و آذربایجان مانع بزرگی را در زمینه همکاری های ساختارهای اقتصادی قفقاز جنوبی از میان بر خواهد داشت و اقتصاد منزوی ارمنستان را به اقتصاد پویای ترکیه و در حال رشد آذربایجان پیوند خواهد داد. (ولیکلی زاده، علی، ۱۳۸۷) نتیجه چنین تحولی حاکم شدن منطق اقتصادی بر رفتارها و روابط دولت های قفقاز جنوبی و کاهش هزینه های نظامی - دفاعی و سوق یافتن آن به سمت توسعه زیرساخت های اقتصادی کشورهای منطقه می باشد. شاید مهمترین پیامد زودهنگام این روند آغاز تحولی اساسی در عرصه خطوط انتقال انرژی و مسیر های ارتباطی باشد. هرچند ورود ارمنستان به عرصه ترانزیت انرژی و پروژه های بزرگی مانند نابوکو و ترانس خزر و همچنین مشارکت در پروژه های زیرساختی ارتباطی قفقاز جنوبی مانند خط ریلی باکو - فلیس - قارص و آزاد راه باکو - آنکارا و آزاد راه ساحلی دریای سیاه، مشروط به حل بحران قره باغ است (۹) ترکها معتقدند، تحول ژئوپلیتیکی حوزه شوروی سابق باگشودن درهای بسته جهان ترک به

روی ترکیه فرصت راهبردی ارزشمندی را نصیب ترک ها ساخته است. به اعتقاد ژئوپلیتیسین های ترک، قفقاز جنوبی بازو و مکمل راهبردی جغرافیای آناتولی است. افق ژئواستراتژیک و حوزه علایق راهبردی ترکیه را بایستی در دل قفقاز جستجو کرد. ارزش و اهمیت جهانی هویت یا فرهنگ ترکی در آینده با تحولات حوزه قفقاز ارتباط مستقیمی دارد. در این حوزه همسانی قومیتی، زبانی، دینی، تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم و سنت های مشابهی را برای ترکیه و آذربایجان به وجود آورده است. (ولیعلی زاده، علی، ۱۳۸۷) بر مبنای همین اصل به لحاظ راهبردی ترکها برای دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی و تحقق کمال ژئوپلیتیکی در طرح اتحادیه کشور های ترک زبان به حوزه قفقاز جنوبی نیاز دارند. اهمیت این موضوع آنجاست که ارتباط ترکیه با آذربایجان از طریق کوتاه ترین مسیر یعنی ارمنستان به خاطر بحران قره باغ به حالت تعلیق در آمده است. در صورت حل بحران قره باغ، همزمان با عادی سازی مناسبات ترکیه با ارمنستان، زمینه سازی برای عبور طرح های ارتباطی - مواصلاتی از طریق ارمنستان مهیا و به تبع آن نوعی پیوستگی راهبردی-سرزمینی بین ترکیه و آذربایجان و آسیای مرکزی شکل خواهد گرفت. بنابراین این می توان گفت شاه کلید دروازه نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی ارمنستان است. همچنین قفقاز جنوبی بعنوان محور حمل و نقل و کانون اصلی انتقال انرژی در منطقه مورد توجه دولتمردان ترک بوده است.

در واقع همسایگی ترکیه با این منطقه این پتانسیل را در اختیار ترکیه قرار داده است تا به قطب اصلی ترانزیت منابع انرژی به بازارهای جهانی تبدیل شود. در این زمینه ترکیه روابط خود را در بستر همکاری های مشترک با قفقاز جنوبی گسترش داده و پروژه های مشترکی را در حوزه ترانزیت انرژی و حمل و نقل با این حوزه در دست اجرا دارد که تداوم بحران قره باغ امنیت آنها را تهدید می کند. قبل از فروپاشی اتحاد شوروی بخش عمده مناسبات تجاری-اقتصادی ایران با اتحاد شوروی، اروپای شرقی و حتی اسکانديناوی از طریق مسیر قفقاز جنوبی انجام می گرفت. اما بعد از فروپاشی شوروی، با توجه به بحران ناشی از بحران قره باغ این مسیر ارتباطی که برای ایران از اهمیت ژئواکونومی بالایی برخوردار است مسدود شده است. از مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی توجیه اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی بویژه آذربایجان برای ایران می توان به اشتراکات فرهنگی بین دو حوزه اشاره کرد. آذربایجان با دارا بودن ویژگی هایی از قبیل تجانس جمعیتی (هویت تشیع)، قومیتی و فرهنگی با شمال غرب ایران مهمترین همسایه شمالی ایران محسوب می شود. روی همین اصل از دید روان شناسی ژئوپلیتیکی، میتوان به نوعی آذربایجان را به نوعی بازوی راهبردی ایران در در دل قفقاز جنوبی در نظر گرفت که بدون شک، برآیند تعمیق همکاری های اقتصادی حاصل از آن می تواند اقتصاد ایران را به بازارهای سی.ای. اس متصل نماید. همچنین از مهمترین دلایل توجیهی اهمیت راهبردی آذربایجان در مسیر ارتباطی ایران با بازارهای اقتصادی سی ای اس، پتانسیل اقتصادی نسبتاً بالای اقتصاد نوظهور و پویای این جمهوری و وسعت بازار مصرف آن در حوزه قفقاز جنوبی است. در عین حال هرچند در بخش روابط تجاری ایران با آذربایجان، حجم کل مبادلات طرفین در مقایسه با کل مبادلات رقبای ایران در منطقه رضایت بخش نیست، اما در بین کشور های سی.ای. اس همواره آذربایجان بزرگترین وارد کننده اقلام تجاری از ایران بوده است. در حقیقت این امر به طور ذاتی از اهمیت ویژه بازار آذربایجان در مسیر ارتباطی ایران با بازارهای اقتصادی سی.ای. اس حکایت دارد. بعبارتی آذربایجان برحسب پتانسیل اقتصادی خود و حجم مناسبات تجاری با ایران به عنوان لولای ارتباطی ایران با بازارهای اقتصادی سی.ای. اس، از قابلیت هدایت بخش عمده مبادلات تجاری ایران به سوی بازارهای اقتصادی سی.ای. اس را از مجرای قفقاز برخوردار است. (ولیعلی زاده، علی، ۱۳۹۱)

همچنین قفقاز جنوبی از نگاه ایران علاوه بر حوزه تمدنی، یک محیط امنیتی نیز هست. کنش ها و واکنش های دولت ها، نیرو های سیاسی و اجتماعی درون قفقاز، سطحی از تاثیر را بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران می گذارد. به عبارت دیگر ایران علاقه مند به بین المللی شدن ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی نیست. چون در این صورت نیرو های فرامنطقه ای به بهانه های مختلف در سطوح مختلف این منطقه نقش آفرینی خواهند نمود و در صورت نیاز هم سطحی از منازعه و بحران های منطقه ای را خلق خواهند کرد. حوزه قفقاز جنوبی برای روسیه از اهمیت ژئواستراتژیک و تاریخی ویژه ای برخوردار است. در اوایل قرن هجدهم، روسیه سعی کرد حوزه نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهد روسیه به این حوزه بعنوان دروازه خاور میانه و خط مقدم مرزهای استراتژیکی خود نگاه می کند. روسیه بزرگترین منبع حفظ صلح و ثبات، تامین فن آوری نظامی و سرمایه اقتصادی منطقه است. روسیه بر این اعتقاد است قفقاز جنوبی بخش کلیدی مفهوم جغرافیایی - سیاسی خارج نزدیک را در بر می گیرد. در این حوزه موقعیت ارمنستان به دلیل ایجاد شکاف بین ترکیه با سایر دولت های ترک زبان و ارتباط زمینی با ایران از متحد راهبردی روس ها، برای روسیه از اهمیت حیاتی برخوردار است. موقعیت آذربایجان از لحاظ کنترل عمیق روسیه بر جریان انتقال منابع انرژی خزر به بازارهای بین المللی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بعلاوه آذربایجان برای امنیت ملی روسیه از اهمیت حیاتی برخوردار است. آذربایجان از دید روسیه مقر اصلی استقرار تروریست ها و جریان اسلامی رادیکال تجزیه طلب در قفقاز شمالی شناخته می شود. بزرگترین تعلق ژئوپلیتیکی واشنگتن در قفقاز جنوبی نفت است و در سیاست خارجی آمریکا نسبت به منطقه جایگاه ویژه ای

را اشغال کرده است. به لحاظ اقتصادی و سیاسی بهره برداری امن از منابع غنی انرژی منطقه و انتقال مطمئن آن به بازارهای مصرف از اهمیت زیادی برای آمریکا برخوردار است. با این حال صرف نظر از نقشی که قفقاز جنوبی برای غرب در بهره برداری و انتقال منابع انرژی بازی می کند، جهت تضعیف روسیه منطقه کاملاً مناسبی برای اجرای راهبرد های آمریکا است. (ولیکلی زاده، علی، ۱۳۸۷) روی این اصل، مهمترین علت تداوم بحران قره باغ در قفقاز جنوبی را بایستی در راهبرد تقویت حضور روسیه در منطقه و متقابلاً راهبرد مهار روسیه توسط غرب جستجو کرد. مهار روسیه مستلزم جلوگیری از تسلط روسیه بر قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. در واقع لازمه مهار روسیه، حضور در حیط خلوت روسیه است بنا بر این از این دیدگاه می توان بحران قره باغ را بزرگترین حوزه ژئوپلیتیکی-امنیتی موجود در حیات خلوت روسها دانست که بیش از هر عامل دیگری زمینه حضور آمریکایی ها را در این حوزه فراهم آورده است. به عبارتی هم می توان حوزه قفقاز جنوبی را فراخ ترین دهلیز راهبردی آمریکا برای رسوخ در حیط خلوت روسها دانست. آنچه که مسلم است برخلاف بازیگران منطقه ای که در پی آرامش، صلح و ثبات در منطقه در جهت تامین منافع خود می باشند. منافع آمریکا و سایر شرکاء و هم پیمانان فرامنطقه ای آن همچون عربستان از عدم ثبات و شلعه و بودن آتش بحران در منطقه قفقاز جنوبی تامین می گردد.

۳-۶- عوامل تفوق بازیگران داخلی در بحران ژئوپلیتیکی قره باغ

عوامل یاد شده فوق به اختصار شامل موارد ذیل می باشد:

الف: گریز از انزوای ژئوپلیتیکی **ب:** حداقل وابستگی ژئوپلیتیکی **ج:** وزن ژئوپلیتیکی بالا **د:** گرایش ایدئولوژیک در بستر گرایش ژئوپلیتیکی **ه:** ثبات داخلی و سیاست ملی نظام مند **و:** سیاست خارجی و دیپلماسی کاملاً پویا **ز:** حمایت و پشتیبانی خارجی **ح:** مشروعیت ملی دولت درگیر در بحران **ت:** توان اقتصادی و دورنمای پیشرفت اقتصادی - اجتماعی **ی:** برخورداری از توان نظامی برتر

۳-۷- عوامل و زمینه های همگرایی بین دو جمهوری

۱- انسجام اقتصادی: بطور کلی کشورهای حاصل از فروپاشی شوروی، اقتصادی مکمل یکدیگر داشتند و امروزه ساختار اقتصادی هر دو کشور به دلیل قرار داشتن در دوره گذار از نظام سوسیالیستی با مدیریت متمرکز به اقتصاد بازار آزاد، به یکدیگر شباهت دارد که این امر در فراهم ساختن بستری مشترک برای همکاری اقتصادی موثر و مفید است. جمهوری ارمنستان نیاز مبرمی به انرژی دارد و این مسئله می تواند باعث توسعه همکاری آن با جمهوری آذربایجان که دارای منابع انرژی نفت و گاز است، شود. جمهوری آذربایجان نیز می تواند از ظرفیتهای صنعتی جمهوری ارمنستان استفاده نماید. البته به رغم مکمل بودن اقتصاد کشورهای منطقه، نیاز این کشورها به فن آوری، سرمایه و اتکاء آنها به منابع خام، امکان همکاریهای فرا منطقه ای را بیش از همکاری منطقه ای فراهم ساخته است. چنین امری دست کم در کوتاه مدت تا زمانی که اقتصاد نوین این کشورها شکل نگرفته است، امکان پیوستگی اقتصادی این کشورها را به حداقل می رساند

۲- انسجام و همبستگی سیاسی: هردو جمهوری سابقه مشترک ۷۰ سال نظامهای سیاسی بدون انتخابات در اتحاد جماهیر شوروی را داشته اند. در قانون اساسی هر دو کشور که در سال ۱۹۹۵ م به تصویب رسیده است، نظام حکومتی بر اساس تفکیک سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه بنا نهاده شده است. هر دو کشور عنوان جمهوری را یدک می کشند و دارای یک رئیس جمهور هستند. هر دو کشور به غیر از نواحی خود مختار، دارای یک مجلس بعنوان قوه مقننه هستند. هر دو نظام به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند. و در هر دو نظام رئیس جمهور از قدرت بسیار بالائی برخوردار است. در هر دو کشور احزاب سیاسی متفاوتی فعالیت دارند. دولتهای قفقاز جنوبی، همگی دولتهای تازه استقلال یافته با تجربه کم هست. به هر حال از نظر ساختار سیاسی، این کشورها، شباهتهای زیادی بهم دارند. گرچه، عملکرد آنها در سیاست خارجی متفاوت بوده است. مثلاً ارمنستان گرایش به روسیه و ایران دارد. ولی آذربایجان تمایل به حضور آمریکا، ترکیه و ناتو در منطقه دارد.

۳- سرویس تجاری و حمل و نقل متقابل: در منطقه قفقاز شبکه ای از راههای ارتباطی وجود دارد. ولی شرایط نامساعد جغرافیایی، مسیرهای محدود ایجاد شده مرکز گرا در زمان شوروی سابق، وجود مناطق بحران زده قومی و تنش های بین کشوری در قفقاز باعث ایجاد محدودیتهای خاصی در ارتباط درون منطقه ای و برون منطقه ای شده است، به نحوی که قفقاز با دارا بودن توان بالقوه برای ایفای نقش مناسب ارتباطی، عملاً جایگاه مناسبی ندارد. راههای زمینی قفقاز دارای ویژگیهای ژئوپلیتیکی مخصوص به خود است به نحوی که هریک از واحدهای سیاسی قفقاز بدون وجود واحد دیگر به سختی می تواند مسایل و

مشکلات خود را حل کند. در آخر باید گفت که به دلیل هم مرزی و نیاز مشترک، حمل و نقل و راههای ارتباطی می تواند به همگرایی در منطقه کمک کند.

۳-۸- اهمیت منطقه قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران

منطقه قفقاز جنوبی از ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی، برای ایران اهمیت دارد. از لحاظ اقتصادی، جمهوری آذربایجان دارای منافع قابل ملاحظه نفت و گاز می باشد و طی سالهای گذشته سرمایه گذارهای فراوانی از سوی کشورهای خارجی در این زمینه صورت پذیرفته است. گرچه ایران خود دارای منافع نفت و گاز فراوانی است ولی در عین حال می تواند در جمهوری آذربایجان نیز فعال باشد. از سوی دیگر قفقاز می تواند از نظر مسیرهای حمل و نقل نیز مورد توجه ایران قرار گیرد. قفقاز می تواند راه ارتباطی و ترانزیتی برای دسترسی به کشورهای حاشیه دریای سیاه و اروپا، باشد. قفقاز، راه سنتی ایران به اروپا است. این مسیر، توان ارتباطی ایران را افزایش می دهد و اتکاء صرف به ترکیه به عنوان پنجره ای به اروپا را از انحصار خارج می سازد. (رضائی، محسن ۱۳۸۴)

همچنین اگر خاک ایران برای مسیر خط لوله انرژی منطقه مورد استفاده قرار می گرفت، می توانست درآمد مناسبی را برای کشور ایجاد نماید. در عین حال هر دو کشور منطقه به ویژه جمهوری آذربایجان که دارای درآمدهای نفت و گاز می باشد، می تواند بازار خوبی برای صادرات ایران باشند. از لحاظ سیاسی، اگر ایران بتواند نقش تعیین کننده ای در این کشورها داشته باشد، امکان مناسبی بدست می آورد تا جایگاه بین المللی خود را ارتقاء بخشیده و تلاشهایی را که برای منزوی ساختن ایران صورت می پذیرد، خنثی سازد. عواملی از قبیل مرزهای مشترک با ارمنستان و آذربایجان، ساحل دریای مازندران، اقلیت آذری، قرابت جغرافیایی، باعث می شود تا ملاحظات امنیتی ایران در مقایسه با دیگر کشورها - به استثنای روسیه بیشتر با کشورهای قفقاز جنوبی گره خورد. (۸) از نظر فرهنگی هم وجود علایق فرهنگی دیرینه و قومی میان ملت‌های قفقاز و ایران، بسیار اهمیت دارد. به لحاظ تاریخی، تمدنی و فرهنگی این جمهوری ها قرابت خاصی با تاریخ و تمدن ایران دارند.

۴- آزمون فرضیات

۴-۱- فرضیه اول

توجه به ارتباط بازیگران منطقه ای (ایران، روسیه و...) موقعیت ژئوپلیتیک آنها می تواند برآینده بحران اثرگذار باشد. با توجه به بررسی عوامل و زمینه های همگرایی بین دو جمهوری از قبیل؛ مرزهای مشترک با ارمنستان و آذربایجان، ساحل دریای مازندران، قوم بزرگ آذری ایران، شهروندان ارمنه ایرانی، قرابت جغرافیایی، وجود انسجام اجتماعی در قفقاز جنوبی، نیاز به انسجام اقتصادی، سرویس تجاری و حمل و نقل متقابل از لحاظ سیاسی، انسجام و همبستگی سیاسی و ... همچنین سایر عواملی که باعث می شود تا ملاحظات امنیتی ایران در مقایسه با دیگر کشورها - به استثنای روسیه بیشتر با کشورهای قفقاز جنوبی گره خورد. تضعیف و یا از بین رفتن مرزها، گسترش تسلیحات شوروی سابق در میان گروههای شبه نظامی، دخالت قدرتهای خارجی در ترتیبات جدید امنیتی یا آموزش نظامی و فروش تسلیحات، همگی از عوامل نگران کننده جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشند. از دیگر نگرانیهای ایران، فعالیت های ترکیه و پان ترکیسم است که مشکلات قومی و تجزیه طلبی را برای ایران به همراه دارد. لذا با توجه به مراتب فوق الذکر؛ ایران می تواند با ایفای نقشی تعیین کننده ای در این کشورها (ارمنستان و آذربایجان) امکان مناسبی بدست آورد تا جایگاه بین المللی خود را ارتقاء بخشیده و تلاشهایی را که برای منزوی ساختن ایران صورت می پذیرد را خنثی سازد.

۴-۲- فرضیه دوم

رابطه معنا داری بین تغییر نقش بازیگران فرامنطقه ای (عربستان، آمریکا و ...) و مداخله گر با میزان تنش در روابط دو کشور برقرار است. از مهمترین موانع حل بحران قره باغ نبود رویکرد منسجم در تلاش های میانجی گری از سوی بازیگران مختلف برای حل بحران است که این موضوع تابع منافع راهبردی و درک ژئوپلیتیکی متفاوت بازیگران، نگاه متفاوت آنها به بحران، رفتار جانبدارانه میانجی گران و شرایط نابرابر روند مذاکرات بین طرفین درگیر است.

در این بین بررسی عمیق تر از تجارب میانجی گری در قره باغ نشان می دهد که عموماً در این روند اهداف دیگری در ورای اهداف بشر دوستانه دنبال می شود. در این خصوص بازیگران خارجی سعی دارند با استفاده سیاسی - ابزاری از اختلافات بین

دولت، علاوه بر تقویت حوزه نفوذ خود در قفقاز جنوبی، از افزایش نفوذ رقبای خود در آنجا جلوگیری نمایند. از این رو منافع راهبردی این دولت ها در راستای طولانی شدن بحران تعریف می شود. همچنین بلحاظ حقوقی انتظار می رود میانجی گری بین المللی حداقل بتواند ارمی ها را به ترک سرزمین های اطراف قره باغ راضی نماید. در واقع این نوع میانجی گری که هنوز بعد از دو دهه نتوانسته است حافظ منافع ملی آذربایجان باشد، از ریشه مشکل دارد و این نوع روند مدیریتی در بحران قره باغ نه تنها در حل بحران قره باغ کارساز نبوده، بلکه همواره بر طبیعت پیچیده بحران افزوده است. رفتار مبهم و متناقض بازیگران خارجی معلول مولفه های مختلفی از جمله رویکرد راهبردی و، کدهای ژئوپلیتیکی و منافع ملی بازیگران است. به گونه ای که تعارض در هر کدام از متغیر های ذکر شده باعث شده است تا بازیگران درباره حل بحران رفتارهای متفاوت، مبهم و متناقضی از خود نشان بدهند. قطعاً این رفتار بازیگران بحران با شرایط زمانی و مکانی قفقاز جنوبی هم در ارتباط است.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه ذکر گردید همگرایی جمهوری آذربایجان با ارمنستان حداقل در آینده نزدیک بسیار دشوار بنظر می رسد ولی زمینه های همگرایی جمهوری آذربایجان با ایران مناسب بوده و امکان همگرایی این دو کشور وجود دارد. بحران قره باغ، یکی از موثرترین عوامل در روابط کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بوده و بدون حل مسالمت آمیز آن انتظار همگرایی در منطقه قفقاز جنوبی، بیهوده خواهد بود. این بحران تمام متغیرهای ذکر شده در پژوهش را متأثر ساخته و باعث واگرایی در این منطقه گردیده است. با حل مسالمت آمیز بحران قره باغ، امکان همگرایی جمهوری آذربایجان با ارمنستان، بسیار بیشتر خواهد بود. همگرایی در قفقاز جنوبی باعث صلح و امنیت و ثبات در منطقه خواهد شد که این امر می تواند فرصتهای زیادی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. در حالیکه واگرایی در این منطقه باعث بی ثباتی و نا امنی در مرزهای شمالی ایران شده و به ضرر ایران خواهد بود. همگرایی در قفقاز جنوبی، زمینه را برای توسعه روابط ایران با این منطقه در امور اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی افزایش خواهد داد. لذا همگرایی در این منطقه برای جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک فرصت بسیار حائز اهمیت است. دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به مطالب ذکر شده، قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به همگرایی در قفقاز جنوبی، مثبت بوده و برعکس جمهوری اسلامی ایران مخالف واگرایی در این منطقه می باشد.

پیشنهادات

- ۱- میانجیگری موثروفعال ایران در حل مناقشات قفقاز جنوبی که می تواند باعث ایجاد همگرایی در منطقه گردد.
- ۲- با توجه به اعتماد سازی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی به عنوان مقدمه ای ضروری برای گسترش و تقویت همکاری های فیما بین.
- ۳- همکاری سیاسی و امنیتی با روسیه در جهت محدود نمودن نفوذ آمریکا در منطقه، بدون ایجاد حساسیت و جهت گیری منفی جمهوری آذربایجان.
- ۴- ایران باید تلاش کند تا به همراه ترکیه و روسیه بحرانهای منطقه بویژه بحران قره باغ را از میان بردارد. ترکیه یکی از کشورهای مهم منطقه می باشد و بویژه جمهوری آذربایجان روابط نزدیکی دارد.
- ۵- مشارکت فعال در طرحها و ترتیبات امنیتی منطقه با تاکید بر کشورهای قفقاز.
- ۶- توافق برای تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران با دولتهای ساحلی این دریا بویژه جمهوری آذربایجان.
- ۷- تعمیق و گسترش هرچه بیشتر روابط اقتصادی ایران با کشورهای منطقه، از طریق ایجاد ساختارهای اقتصادی و ارتباطی به نحوی که کشورهای منطقه را از لحاظ اقتصادی به خود مرتبط نماید.

منابع

- سریع القلم، محمود (۱۳۹۰)، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران، انتشارات سفیر، چاپ سوم
- مستقیمی، بهرام (۱۳۷۳)، درباب تعریف بحران در نظام بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، شماره ۳۳، ص ۱۸۲
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات پاپلی
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۹)، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران، انتشارات عطایی

- بریچر، مایکل، جاناتان، ویلکندفلد، (۱۹۹۲)، بحران تعارض و بی ثباتی، ترجمه: علی صبحدل (۱۳۸۲)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۸۵
- کاظمی، احمد (۱۳۸۲)، کالبد شکافی یک بحران ۱۵ ساله، تبریز: ویژه نامه آران، شماره ۲، ص ۷۲
- ولیقلی زاده، علی (۱۳۸۹)، بررسی تاثیرات عادی سازی روابط ترکیه - ارمنستان بر روابط آذربایجان با ترکیه، تبریز: فصلنامه آسیای مرکزی، شماره ۹، صص ۷۶، ۱۰۶
- ولیقلی زاده، علی (۱۳۹۱)، الگویابی بحران های ژئوپلیتیکی (مورد بحران قره باغ)، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
- میرقاسم، بنی هاشمی (۱۳۸۸)، چشم انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه - ارمنستان، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۴۶، صص ۱۴۴-۱۱۵ و ۱۲۷
- رضائی، محسن (۱۳۸۴)، ایران منطقه ای (چاپ دوم)، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح



